

نوروز، تاریخچه و آیین‌های مربوط به آن



پژوهشگر = سیروس ایمانی‌نامور



برای دیدن این امر در شگفت شدند و این روز را عید گرفتند.^۵

چگونگی جشن نوروز

جشنی که در زبان فارسی امروز به معنای عید و روز نو و شادمانی عمومی و ملی خوانده می‌شود، واژه‌ای است اوستایی به نام «یسن / یسنه» این واژه در پهلوی «یژشن» به معنای ستایش و پرستش آمده است.

فراموش نکنیم که ایرانیان باستان عقیده داشتند که «اهورامزدا» این جهان را با یاری شش مهین فرشته (امشاسپندان) به وجود آورده و اداره می‌کند که خود در رأس آنان قرار دارد.

«پیش از آن که اهورامزدا این جهان خاکی را بیافریند، فروهر به نوبه‌ی خود برای نگهداری آن آفریده جهان خاکی، یکی از آفریدگان خویش را فرو می‌فرستد و هر سال یک بار به دیدن او می‌آید و آن هنگام جشن نوروز است. یعنی روزهایی که برای فرود آمدن فروهری از نیاکان و پاکان اختصاص دارد.^۶ پس به هنگام فرود آمدن این فروهر به زمین و مدت توقف آن، جشن فروردگان نامیده و گرفته می‌شود که یکی از شش جشن آخرین در آیین مزد یسنا است، یعنی ایام خلقت بشر. آن چنان که در اوستا آمده است: «فروهرهای نیک توانای پاک مقدسین را میستاییم

نوروز، واژه‌ای است مرکب از دو قسمت که روی هم به معنای روز نوین و نخستین روز از نخستین ماه سال خورشیدی است. آغاز فصل بهار و آن‌گاه که آفتاب به برج حمل انتقال می‌یابد. اصل واژه نوروز در زبان پهلوی «نوگ روچ» یا «نوگ روز» بوده است.

بحق المهر جان و نوگ روز
و فرخ روز ايسال الكبيس

«ابونواس»

پیش‌تر تاریخ‌نویسان و صاحبان قلم، «جمشید» پادشاه پیشدادی را پایه‌گذار نوروز و سایر رسم‌های نیکو، ذکر کرده‌اند. مسعودی می‌نویسد: «بیش‌تر مردمان بر این اعتقادند که نوروز در روزگار او پدید آمد و در پادشاهی‌اش آیینی شد.^۲»

همچنین در کتاب تاریخ الامم و الملوک، محمدبن جریر طبری با ترجمه‌ای از ابوعلی محمد بلعمی آمده است: «... و علما را بفرمود (جمشید) که آن روز که من به نشینم به مظالم شما نزد من باشید تا هر چه در او داد و عدل باشد بنمایید تا من آن کنم و آن روز که به مظالم نشست روز هرگز بود از ماه فروردین پس آن روز (رسم) کردند و بر گبران اکنون گشت...»^۳

شاعران ایرانی بعد از پیدایش اسلام بسیار در نوشته‌های خود از نوروز یاد کرده‌اند و آن را یادگار جمشید می‌دانند، چنان که استاد حکیم ابوالقاسم فردوسی آورده است.

چو خورشید تابان میان هوا
نشسته بر او، شاه فرمان‌روا
جهان انجمن شد بر تخت او
از آن بر شده فره بخت او
به جمشید بر، گوهر افشاندند
مر آن روز را، روز نو خواندند
سر سال نو، هرگز فرودین
بر آسوده از رنج تن، دل زکین
به نوروز نو، شاه گیتی فروز
بر آن تخت بنشت فیروز روز^۴

یا بیرونی در کتاب «الآثار الباقیه» چنین آورده است:

«... و باز عید بودن نوروز را چنین گفته‌اند که چون جمشید برای خود تخت بساخت در این روز بر آن سوار شد و جن و شیاطین آن را حمل کردند و به یک روز از کوه دماوند به بابل آمد و مردم



بودند مگر آن که در اواخر این سلطنت متمادی چهارصد و هفتاد و شش ساله دوباره ملت ایران قوت گرفت.....» ۱۲

نوروز در روزگار ساسانیان

از این دوره به بعد اخبار و اطلاعات فراوانی در دست است که علاوه به متن‌های پهلوی، منابع عمده و کتاب‌های ادبی و تاریخی عربی به جای مانده است. «جاحظ بصری» و.....



شاهان ایرانی در نوروز آیین‌ها و آداب خاصی را انجام می‌دادند که مورخان بدان‌ها اشاره کرده‌اند که مختصری از آن‌ها از این قرار بوده است:

«خسروان (ساسانیان) آغاز پادشاهی و بر تخت نشستشان را بر نوروز نهاده و در این روز دست احسان می‌گشاده‌اند.

روز دوم روز بلند پایگان و دهقانان نیز بوده است، روز سوم لشکریان و بزرگ موبدان، روز چهارم ویزگان و نزدیکان و خاندانیان خویش، در روز پنجم فرزندان خود را می‌پذیرفته‌اند، هر یک از این گروه‌ها آیین‌های خاصی داشته و به مرتبت خود نیز اکرام می‌دیده و پاداش می‌گرفته‌اند.

روز ششم که شاه از ادای حقوق مردمان رهایی می‌یافت، آیین نوروز ویژه‌ای بود که در این روز او فقط به خلونیان و نزدیکان خود نمی‌پرداخت بلکه از هدایا و ارمغان‌های فرستاده شده هر آن چه را که می‌خواست و در آن می‌نگریست و مطبوع خویش می‌یافت برمی‌گرفت و بقیه را به خزانه می‌فرستاد».

هدیه‌های نوروزی

از آیین‌های دلپذیر و به جای مانده در نوروز، پیشکش کردن یا هدیه دادن است. پیشکش کردن به نشانه‌ی گردآوری دل‌ها در میان مردم است، یا راهی برای تحکیم پیوندهای معنوی میان همگان. جاحظ بصری می‌نویسد: «... جای شگفت نیست که ارمغان، دوستی به بار می‌آورد و مهر می‌کارد و کینه می‌زداید و پریشانی و پریشیدگی را بر می‌اندازد و مردمان را به یک‌پارچگی می‌خواند. ارمغان دوران (دل‌های دور از هم) را نزدیک، دشمنان را دوست، کینه‌توزان را مهرورز و گران‌دلان را نرم‌دل می‌کند.» ۱۳

که در هنگام هَمَسَیْطَمْدُم از آرام‌گاه‌های خود بیرون شتابند و در مدت ده شب پی‌درپی در این جا برای آگاهی یافتن به سر برند».

چنانچه گذشت نوروز از جشن‌های پاکان و نیاکان سرزمین ما بوده و همان‌طور که اشاره شد این جشن «یسن» یعنی ستایش و نیایش به درگاه یزدان پاک، عیدی مذهبی بوده است، ولی به مناسبت تداخل آن با نخستین روز «اعتدال ربیعی»^۸ و رویدادهای دیگر از سایر جشن‌ها و عیدهای مذهبی برتر و با شکوه‌تر بوده است و تاکنون نیز همان ویژگی‌ها را نسبت به جشن‌های دیگر داراست.

نوروز در زمان هخامنشیان

گر چه اطلاعات دقیقی از نوروز در این دوره تاریخی ایران در دست نیست، ولی در این که این جشن از آیین‌های روزگاران آن ایام بوده و مرسوم هم بوده است تردیدی نیست. از تحقیق‌های صورت گرفته و تطبیق نوروز ایرانی و نوروز قبطی (مصری) و تأثیر و تأثر آن دو به هم، چنین بر می‌آید که نوروز ایرانی در زمان داریوش اول هخامنشی در ایران و مصر رایج بوده است و هم‌چنین می‌دانیم که برخی از اصول گاه شماری مصری را ایرانیان از آنان اقتباس کرده‌اند^۹ و در مقابل، آیین‌های نوروزی را مصریان قبطی از ایرانیان برگرفته‌اند.^{۱۰}

از همین جا می‌توان گفت که نوروز و برگزاری آداب و رسم‌های آن در زمان هخامنشیان رونق فراوانی داشته و داریوش شاه به طوری که از نوشته‌های «بابلی»^{۱۱}ها برمی‌آید، در نوروز هر سال به معبد «بل» مردوک - خدای بزرگ بابلیان رفته و نیایش می‌کرده است.

شاهان این سلسله در نوروز به بار عام می‌نشستند و از اطراف و اکناف کشورها هدایایی به نزد آنان می‌آوردند.

نوروز در زمان اشکانیان

از چگونگی جشن و آیین‌های نوروزی در روزگار اشکانیان نیز چندان خبری در دست نیست، ولی از اجرای مراسم مهرگان می‌توان پی برد که نوروز و آیین‌های مربوط به آن در میان عامه‌ی مردم آن زمان اهمیت فراوانی داشته است. برخی اشاره‌های تاریخی در منظومه‌ی «ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی که متن آن مربوط به زمان اشکانیان است، روشن‌گر این موضوع است:

چو گردش‌های ایشان را بدیدند
ز آذر مساه روزی برگزیدند
کجا آن که ز گشت روزگاران
در آذر ماه بودی نو بهاران
منم آزار و تو نوروزِ خرم
هر آیینی بود این هر دو با هم
سر سال و خجسته روزِ نوروز
جهان پیروز گشت از بخت پیروز^{۱۱}

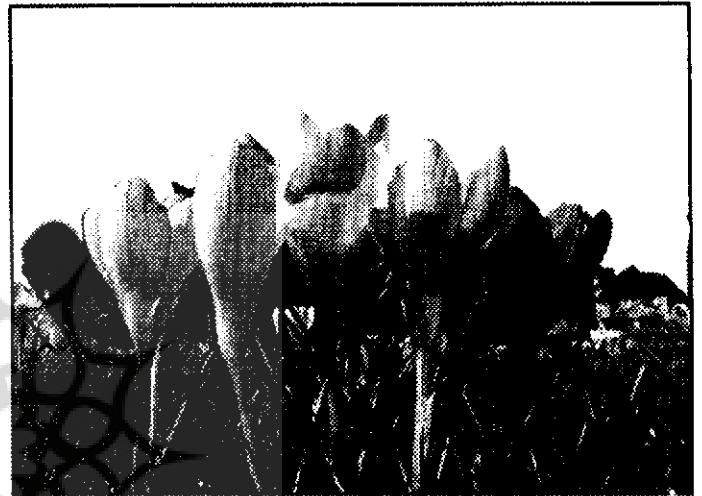
استاد پورداود چنین می‌نویسد: «... پس از دوره سلوکیدها، زمان سلطنت اشکانیان فرا رسید، هر چند که آنان ایرانی نژاد و زردشتی کیش بودند، ولی تسلط هشتاد ساله‌ی یونانی‌ها به کلی در آن‌ها اثر کرده و خود را دوستار هلاس می‌خواندند. درخصوص رسم و آثار ایرانی بی‌تقدیر



نوروز عام و نوروز خاص

«ابوریحان بیرونی» پس از ذکر نوروز که نخستین روز از فروردین ماه است می‌گوید: «... و آنچه از پس اوست از این پنج روز همه جشن‌هاست و ششم فروردین ماه نوروز بزرگ دارند. زیرا که خسروان بدان پنج روز حق‌های حشم و گروهان و بزرگان بگزارند و حاجت‌ها روا کردند، آن‌گاه بدین روز ششم خلوت کردند خاصگان را» ۱۴

بدین سان می‌بینیم که پنج روز اول فروردین جشن نوروز، به گونه‌ی همگانی و جنبه‌ی عام داشته است و مردمان در این ایام به اجرای مراسم و سرور و شادمانی می‌پرداخته‌اند. و آن نوروز عامه نامیده



می‌شد. از ششم فروردین ماه به بعد نوروز به گونه‌ای ویژه برگزار می‌شد که به آن نوروز خاصه می‌گفته‌اند. نوروز خاصه را آن چنان که ابوریحان بیرونی نقل کرده است: «نوروز بزرگ» و هم «جشن بزرگ» و نیز «نوروز ملک» گفته‌اند.

به عقیده زرتشتیان در این روز زردشت به دنیا آمده و در همین روز نیز مبعوث شده است و گشتاسب مذهب زرتشتی را در این روز پذیرفته است و رستاخیز و قیامت نیز در همین روز (ششم فروردین) خواهد شد ۱۵. به قول ابوریحان بیرونی: «هرمز پسر شاپور پهلوان، همان طور که مهرگان و رام روز را به هم پیوست، این دو نوروز (عامه و خاصه) را نیز به هم پیوسته است ۱۶». هر یک از نوروزهای تعریف شده رسم‌های ویژه‌ای داشته‌اند.

آیین‌های همگانی نوروز

دکتر ذبیح‌الله صفا پس از پژوهش‌های فراوانی که در مورد نوروز انجام داده می‌نویسد:

«... از رسوم عمومی نوروز در این عهد یکی برافروختن آتش بود در شب نوروز و این رسم بعدها چنان که خواهیم دید در زمان عباسیان در بین‌النهرین نیز رواج داشته است و شاید آتشی که در عصر حاضر و در شب‌های چهارشنبه سوری (چهارشنبه آخر سال) می‌افروزند، نتیجه‌ی همین رسم قدیمی باشد و این که بعضی آن را از آثار جشن سده می‌شمارند چندان صحیح به نظر نمی‌آید. اما دلیل

افروختن آتش در شب نوروز واضح است که به علت احترام عنصر آتش در نزد ایرانیان قدیم بود. برخی گفته‌اند که جهت برافروختن آتش در این شب تصفیه جو و از میان بردن عفونات مولده از فساد هوا است و اولین کسی که این رسم را بنیاد نهاد شاید هرمز دلیر پسر شاپور، پسر اردشیر بابکان باشد».

از رسم‌های دیگر در این روز، ریختن آب بوده است به یکدیگر در صبح نوروز که در قرون اسلامی نیز از رونق نیفتاده بود. «... شاید بتوان چنین اظهار کرد که این امر به منزله‌ی تطهیر بدن بوده است از کثافات و دود برای رفع فساد مولده از هوا و امراض».

از باشکوه‌ترین و زیباترین آیین‌های باقی مانده از آن زمان که هنوز هم نزد عامه‌ی مردم رسم هست، کاشتن سبزی می‌باشد. معمولاً در صحن هر خانه بر هفت ستون، هفت قسم از غلات را می‌کاشتند. هر یک از اقسام غلات که بهتر می‌رویید دلیل قوت آن در سال جدید بوده است ۱۷. قدر مسلم پیدایش چنین مراسمی فقط از زمان ساسانیان نبوده و ریشه‌ای بسیار قدیمی‌تر دارد.

نوروز پس از اسلام

با این که ایرانیان اسلام را پذیرفتند ولی از آیین‌های زرتشتی که یکی همان نوروز است دست بر نداشتند چرا که نوروز بیش از هر چیزی جشنی ملی و اجتماعی بوده است و اگر رنگ دین کهن نداشت قدر مسلم رنگ و بوی نوین اسلامی را نمی‌گرفت و به طور کلی می‌بینیم که ایرانیان زیر حکومت عرب‌ها از بر پا ساختن جشن نوروز هرگز دست برنداشتند. عرب‌ها جشن‌های عید نوروز و مهرگان را از کهن‌ترین زمان‌ها می‌شناخته‌اند. «الوسی» می‌گوید: «مردم مدینه پیش از اسلام، دو عید



داشتند، نوروز و مهرگان و چون حضرت رسول (ص) به مدینه آمد و بر آداب و رسم‌های ایشان در این دو عید آگاه شد گفت: خدای تبارک و تعالی به جای این دو عید، بهتر از آن‌ها را به شما ارزانی داشته، که «یوم الفطر» (روز فطر - عید فطر) و «یوم النحر» (روز قربان - عید قربان) است ۱۸. ولی عرب‌ها به ناچار پس از گشودن هر سرزمینی، برخی از آداب و رسم‌های آن سرزمین را که مخالف احکام شرع نبوده اخذ و یا رعایت می‌کردند. هم‌چنان که قوانین مالی، مالیاتی، پرداخت خراج به دیوان‌های محاسبات را از ایرانیان آموختند. اصطخری می‌گوید: «ایرانیان بنیان‌گذاران دیوان‌های خلافت‌اند و کارگزارانی که رشد سیاسی وزیران



می‌توان چنین نتیجه گرفت آن چه از آیین‌های

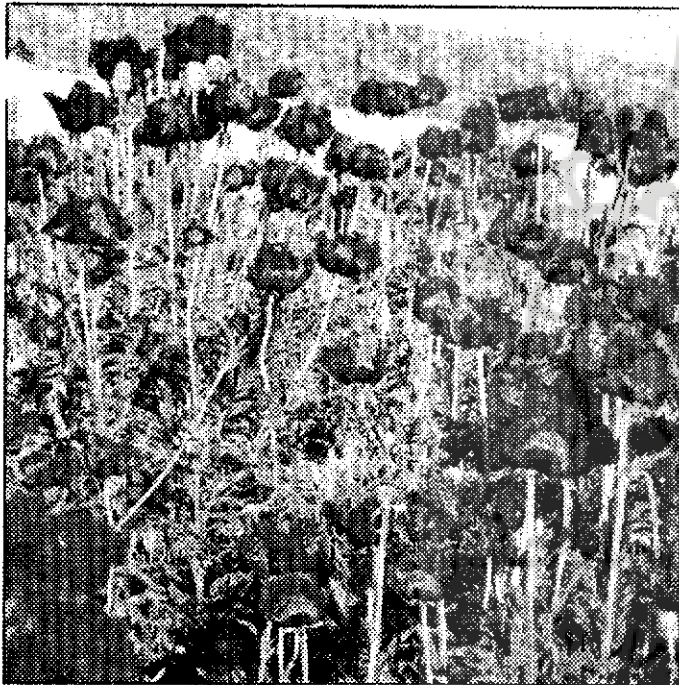
مذهبی نوروزی تا به امروز باقی مانده است، جملگی از آن روزگاران بوده و در آن ایام با شکوه و شوکت هر چه عظیم‌تری برگزار می‌شده است.

در کتب و منابع خارجی آن روزگاران نیز چگونگی آیین‌های

نوروزی، مراسم عام و حتی خاص نیز اشاراتی شده که بی‌نهایت برای محققین سودمند خواهد بود. از جمله کسانی که درباره نوروز مطالبی دارند «تاورنیه» و «شاردن» هستند. شاردن می‌نویسد: «در بیست و یکم مارس، چهل و هفت دقیقه بعد از طلوع آفتاب مطابق غره ذی‌الحجه دوازدهمین ماه سنه هجری قمری توپخانه و ساخلوی سه بار شلیک کردند و بدین طریق حلول سال نو (عید نوروز) را اعلام داشتند. طبق معمول همیشه در موقع ورود آفتاب به برج حمل خواه شب باشد و خواه روز، سال جدید اعلام می‌شود.»

و یا در جایی دیگر می‌نویسد: «ایرانیان جشن نوروز را مطابق

سال شمسی که تاریخ باستانی این قوم بوده است برگرفته‌اند و بانی این عید را جمشید می‌دانند که چهارمین شاهنشاه ایران است.....»



چنان چه گذشت نوروز یک آیین یا جشن ملی مذهبی بوده و از

نیاکان ما تا به امروز برقرار و پایدار مانده است. در گذشته برای آن نام‌های مختلفی گذاشته بودند، عید لباس نو، یا تخم‌مرغ، که نشان از پوشیدن لباس نو برای آغاز روزهایی نو و با شکوه است، یا تخم‌مرغ که نشان از پیدایش زندگی و آغاز تکوین موجودات است.

اشخاص مؤمن و متدین در نخستین ساعات‌های روز عید و

حلول سال جدید به دعا و عبادت در منزل پرداخته و با پوشیدن لباس تمیز و نو از اهل خانه می‌خواهند که با خواندن نماز و قرائت قرآن، آرزومند سالی خوب برای خود و دیگران باشند.

پس از سقوط صفویان هیچ گونه خللی در مقام و منزلت نوروز و

برگزاری آیین‌های مربوط به آن پدید نیامد؛ بلکه هم‌چنان آداب و رسم‌های آن پابرجا ماند و در روح توده مردم ایران عظمت بیشتر و جاودانگی گرفت. حتی در زمان نادرشاه و با توجه به جنگ‌های پیوسته‌ی او این رسم هم‌چنان باقی ماند و ماندگار شد.

و دیگر دیوان سالاران از ایشان حاصل گردیده است.^{۱۹}

چنان چه پیش‌تر گفته شد، نوروز آغاز سال خورشیدی است و کار و کارورزی در ایران از همین روز آغاز می‌شود. از دولت‌های ایرانی در زمان اسلام بیش از همه صفاریان به زنده کردن زبان فارسی و آیین‌های ایرانی به ویژه نوروز همت گماشته‌اند. پس از صفاریان، سامانیان نیز چون از فرهنگ اصیل ایرانی برخوردار بودند و در محدوده خراسان بزرگ به روی کار آمده بودند، بسیاری از آیین‌های باستانی و کهن ایرانی را زنده کردند و به جای آوردند. تنها آثاری که در باب نوروز از شاعران و ادیبان آن روزگاران به جای مانده است قسمت مهمی از ادبیات نوروزی به سبک خراسانی است.

کوشش آل‌بویه در حفظ و نگهداری آداب و جشن‌های ایرانی به خصوص نوروز و مهرگان و سده چشم‌گیر و بسیار موثر بوده است.

در زمان غزنویان نیز هم‌چنان که از جای‌جای تاریخ بیهقی برمی‌آید، بازهم رسم هدایای نوروزی و جشن مهرگان که خوشایند ترکان بوده است، دیده می‌شود. از جمله: «در سال ۴۲۹ هـ. ق سلطان مسعود غزنوی به هنگام جشن نوروز بر تخت جلوس کرد.^{۲۰}

پس از حمله‌ی مغولان، علی‌رغم ویران‌گری‌ها و کشتارهایی که آن قوم وحشی در ایران به راه انداختند، ایرانیان این عید را دست‌آویز و شعاری برای نمایان ساختن روح مجد و عظمت ایرانی و دفاع در راه استقلال و راندن آن چیره‌گران غاصب قرار دادند.^{۲۱} اشعار شاعرانی چون سعدی، حافظ، سلمان ساوجی و دیگران نشان از ادامه‌ی برگزاری و ادامه‌ی این جشن و آیین ملی در میان توده مردم این دیار بوده است.

با روی کار آمدن صفویان و برگزیدن آیین تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران، این جشن هم‌چنان باقی ماند و رونق، تازگی و درخششی بزرگ‌تر گرفت. در این عصر علمای شیعه به گردآوری روایت‌ها و اخبار امانان در مورد نوروز اقدام کردند که از همه مهم‌تر کتاب «السماء و العالم» علامه‌ی مجلسی است (جلد ۱۴ بحارالانوار). که حاوی اخبار و روایات نوروزی و فضایل نوروز و جنبه‌ی دینی آن است که از جمله آن‌ها:

حدیث «یوم النیروز هو الذی...» یعنی روز نوروز است که در آن خدا به دعای یکی از پیامبران، باران به مردم فرستاد و آب به ایشان داد و آب‌پاشی به یک‌دیگر نیز از همین روز سنت شده است.

و نیز مجلسی از حضرت امام جعفر صادق (ع) نقل می‌کند: «در آغاز فروردین آدم آفریده شده و آن روز فرخنده‌ای است برای طلب حاجت‌ها و برآورده شدن آرزوها و دیدار پادشاهان و کسب دانش و زناشویی و مسافرت و داد و ستد. در آن روز خجسته بیماران بهبود می‌یابند و نوزادان به آسانی زاده می‌شوند و روزی‌ها فراوان می‌گردند.»

و نیز نقل است از حضرت موسی بن جعفر (ع) که «این روز بسیار کهن است. در نوروز خداوند از بندگان پیمان گرفت تا او را پرستش کنند و برای او شریک قایل نشوند و به آیین فرستادگانش درآیند و دستورشان را بپذیرند و آن را اجرا نمایند. آن نخستین روزی است که آفتاب بدمید و بادهای بار دهنده بوزید و گل‌های روی زمین پدید آمد و هم جبرئیل بر پیامبر نازل شد و نیز روزی است که ابراهیم بُت‌ها را شکست و هم پیامبر (ع)، علی (ص) را بر دوش خود گرفت تا بت‌های قریش را از خانه‌ی کعبه بینداخت.»^{۲۲}



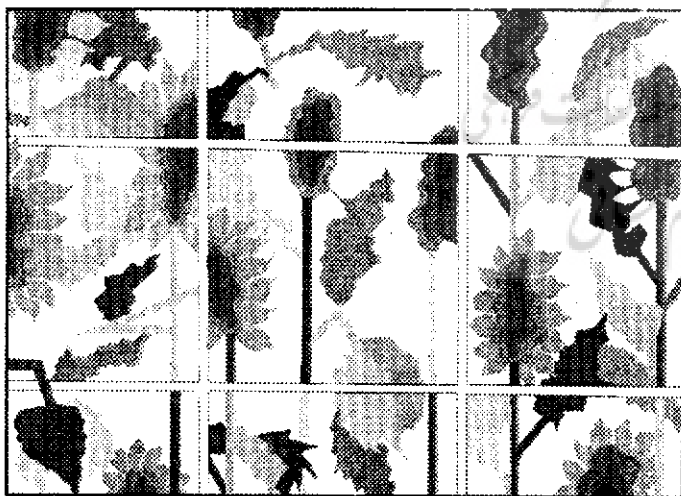
نوروز در خرد ایرانیان

پژوهشگر - سید محسن مهرابی

نوروز، فرهمند و ماندگار در اندیشه‌ی ایرانی

نوروز در پهلوی نوکروچ گفته می‌شود که به معنای روز نو است و نام امروزی آن معرب شده واژه پهلوی آن می‌باشد. آن چه در شناخت و مطالعه‌ی آیین‌های نوروزی اهمیت فراوان دارد، قانون‌مندی آن است. علامه‌ی دهخدا، قدمت نوروز را شش هزار سال دانسته‌اند و این دلیلی محکم بر ماندگاری آن است. در این گفتمان سعی می‌شود پیشینه‌ی نوروز و چگونگی آیین‌های آن به طور خلاصه بیان شود. استاد ابوالقاسم فردوسی جشن نوروز را یادگاری از پادشاهی جمشید می‌داند و بیان می‌کند که جمشید پادشاه ایرانیان پس از شکست دادن دیو که وزیدن باد را مانع می‌شد و برکت را از مردم زایل می‌کرد. بر تخت زرین خود سوار شد. مردم که تخت و پادشاه را بر دوش گرفته بودند آن روز را که هرمن فرودین بود نوروز خواندند:

سر سال نو، هرمن فرودین بر آسوده از رنج روی زمین
بزرگان به شادی برآستند می و جام و رامشگران خواستند
چنین جشن فرخ از آن روزگار به ما ماند از آن خسروان یادگار^۱
اما جشن نوروز از آغاز تاکنون در یک روز خاص نبوده است. مثلاً در زمان ساسانیان و پادشاهی یزدگرد سوم، نوروز در شانزدهم



حزیران رومی یعنی نزدیک اول تابستان بوده است و از آن تاریخ به بعد نوروز هر چهار سال یک روز به عقب برگشته تا در حدود سال ۳۹۲ هجری به اول برج حمل رسید. سال‌ها بعد یعنی در زمان تدوین تقویم جلالی، نوروز را در این روز ثابت نگه داشتند.

از دلایل ثابت نگه داشتن نوروز در اول برج حمل می‌توان به یافتن تقویم خورشیدی توسط ایرانیان اشاره کرد. حکیم عمر خیام در نوروز نامه می‌نویسد: «آفتاب هر ۳۰۵ روز یک چهارم از شبانه روز به یکمین دقیقه حمل باز می‌گردد» می‌توان برابری روز و شب و

مشتاق اصفهانی می‌گوید:

هزار شکر که آمد بهار و رفت خزان
ز فیض مقدم گل شد، جهان پیر جوان
جناب شاه مَکَلاَیک، سپاه نادرشاه
خدیو جم عظمت، خسرو سکندر نشان
به تخت سلطنت، این خسرو بلند اقبال
که پیش رفعت جاهش، خجل بود کیوان
جلوس کرد به روز خجسته‌ی نوروز
ز یاری فلک و نصرتِ خدای جهان^{۲۳}

در دوره قاجاریه نیز آیین‌های نوروزی با عظمت و شکوه بسیار برگزار می‌شده است. نوشته‌ها و منابع زیادی درباره نوروز در این عصر نوشته‌اند. در عصر کنونی نیز این عید با تمام آیین‌های منسوب به آن برقرار است و جزو اعیاد ملی، مذهبی سرزمین اسلامیان به شمار می‌رود.

پایان

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- برداشت و نقل از کتاب‌های نوروز، تاریخچه و مرجع‌شناسی تألیف دکتر پرویز انکایی از انت و انت مرکز مرجع‌شناسی ایران، ۱۳۵۳ و آیین‌های نوروز، تألیف دکتر مرتضی اخروی.
- ۲- نقل از کتاب مروج الذهب، جلد ۱، صفحه ۲۲۳.
- ۳- ترجمه‌ی تاریخ طبری، ص ۲۱ - ۱۲۲.
- ۴- شاهنامه فردوسی، چاپ بروخیم، ج ۱، ص ۲۵.
- ۵- الآثار الباقیه، ترجمه فارسی دانا سرشت، ص ۲۴۲.
- ۶- کتاب یشت‌ها، ج اول، ص ۵۸۲ - ۶۰۲.
- ۷- فروردین یشت، فقره‌ی ۴۹، ج ۲، سشت‌ها، ص ۷۱.
- ۸- اول بهار.
- ۹- تقی‌زاده، کتاب گاهشماری، ص ۱۲۱.
- ۱۰- کتاب الصیاد، النوروز، ص ۱۱۵ به بعد.
- ۱۱- از کتاب ویس و رامین، ص ۲۳، ۲۶۹، ۳۸۰.
- ۱۲- کتاب گات‌ها، مقدمه، ص ۲۱.
- ۱۳- نقل از کتاب التاج جا خط بصری.
- ۱۴- التفهیم، ص ۲۵۳.
- ۱۵- پور داود، یشت‌ها، ج ۱، ص ۹۶.
- ۱۶- الآثار الباقیه، ترجمه فارسی، ص ۲۵۴.
- ۱۷- نقل از مجله‌ی مهر ۱۳۱۴، ص ۲۷۵ - ۷۶.
- ۱۸- کتاب نوع الارب، الوسی، ج ۱، ص ۳۶۴، القاهره ۱۹۲۵.
- ۱۹- المسالک و الممالک، القاهره، ۱۹۶۱، ص ۸۸.
- ۲۰- کتاب الصیاد و النوروز.
- ۲۱- الصیاد و النوروز ص ۵۷.
- ۲۲- السماء و العالم، چاپ سنگی، بی‌تاریخ، زیر عنوان فی النیروز و تحقیقه / اثر علامه‌ی مجلسی.
- ۲۳- نقل از جمله‌ی آموزش و پرورش، سال ۱۳، شماره ۶، ص ۵.